

## گوشه‌ای از دلالت‌های آیین علم در ششتمد سبزوار

آیین علم، از دیگر آیین‌های است که در ایام عزاداری حسینی در بسیاری از نقاط ایران مرکزی از جمله در قم، و شهرهای استان‌های اصفهان، سمنان؛ در شهرهای مختلف حوزه فرهنگی خراسان همچون سبزوار، گناباد، قاینات، قوچان و بجنورد و برخی نقاط دیگر مانند برخی از شهرهای گیلان همچون لاهیجان و اشکور و ... آذربایجان شرقی و غیره همراه با آیین‌ها و اعمال و باورهای بسیار اجرا می‌شود (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۰۰؛ آنی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۴؛ آذری، ۱۳۸۸: ۹۲؛ رهبرگنجه، ۱۳۸۷: ۷۲-۷۴؛ ایروانی ۱۳۸۸، سعیدی، ۱۳۸۶: ۵۳؛ معتمدی کاشانی، ۱۳۷۸: ۳۸؛ حجازی، ۱۳۸۸: ۷۷). علاوه بر ایران گزارشی مردم‌نگارانه، از فرهنگ شیعی هند، علم را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای این فرهنگ معرفی کرده و آن را محور همه عاشورا خانه‌ها و عزا خانه‌ها آن فرهنگ می‌داند و نشان می‌دهد که گاه پنج، گاه دوازده و گاه چهارده علم در این عاشوراخانه‌ها جهت تبرک و زیارت توسط مؤمنان قرار داده شده است (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۸). در این آیین، علم که معمولاً چوبی بلند به ارتفاع شش تا ده متر با قطری به اندازه ده تا پانزده سانتی‌متر است و بر سر آن نشانی فلزی که به شکل پنجه دست یا ماهیچه هلالی شکل یا یک صندوقچه مشبک شبیه ضریح است را به‌عنوان نمادی از حضرت ابوالفضل (ع) (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۰۰) و علم و بیرق امام حسین (ع) عمدتاً ابتدای شروع فرآیند عزاداری می‌آیند و سپس با پایان یافتن ایام سوگواری آن را در اصطلاح واچینی می‌کنند و بدین طریق آغاز و پایان مدت عزاداری و یا شروع و پایان ایام آیینی، را به‌صورت نمادین اعلام می‌دارند. آیین علم در نواحی مختلف، مانند سایر آیین‌های مردم‌مطالعه، از نظر جنس، اندازه، تزئینات و به‌ویژه در این آیین در مسئله اجرا و کم و کیف آن باهم تفاوت‌هایی دارند. این مسئله بیانگر بسترمندی و فرهنگی بودن این آیین‌های نمایشی است.

اجرای آیین علم ششتمد را باید همچون اجرای آیین نخل در این فرهنگ، به‌مثابه یک فرآیند در نظر گرفت و آن را در پیوستاری از اعمال آیینی نگریست. این پیوستار از چند روز به محرم شروع شده و تا پایان عزاداری مردم ششتمد ادامه می‌یابد. در این راستا می‌توان آیین علم ششتمد را چهار بخش و مرحله در فرآیند اجرا در نظر گرفت. این مراحل به ترتیب عبارت‌اند از علم آرای، علم دزدی، علم برداری و علم واچینی. یکی از ویژگی‌های آیین علم برخلاف سایر آیین‌های سنتی عزاداری ششتمد، بی‌تولیت بودگی و عدم تصدی‌گری جدی حول این آیین است. هرچند به نظر می‌رسد که علم آرای در محل دارای نوعی از تولیت است. باید توجه داشت که این تولیت بیشتر یک نوع تولیت حقوقی به نظر می‌رسد تا نوعی تولیت حقیقی. در تولیت حقیقی خانواده و دودمان‌ها خاصی امر تولیت را در اختیاردارند؛ چنان‌که در آیین شیر و آیین نخل در فرهنگ موردبررسی چنین به نظر می‌آید. اما در مرحله آراستن علم، نوعی تولیت حقوقی چنان‌که گذشت مشاهده می‌شود. از این‌رو هرکس مسئولیت خادمیت مسجد را پذیرفته باشد، آراستن علم نیز بر عهده او خواهد بود. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که این مسئولیت عمدتاً در طبقه‌ای خاص از جامعه همواره ثابت است و کمتر افرادی از سایر طبقات به‌ویژه طبقات فرادست عهده‌دار چنین مسئولیتی شده‌اند. با این وجود شاید بتوان قشر خاصی را برای این تولیت در نظر گرفت، اما از دودمان‌ها و خانواده‌ها در این باره نمی‌توان سخنی به میان آورد. بی‌تولیتی این آیین در مراحل اجرایی دیگر آن برجسته‌تر و مشخص‌تر خواهد شد. این بی‌تولیتی در حوزه تلمس و تبرک، علم دزدی از دیگری و حراست و حفاظت از علم خودی، خود را نشان می‌دهد. این مسئله، فرصتی را برای مشارکت اجتماعی برای تمام خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی، اقتصادی، سنی و جنسی جامعه فراهم می‌کند. افراد مسن و در اصطلاح محلی میان‌مردان در قالب خادم مسجد عهده‌دار آراستن علم هستند. زنان عمدتاً در مشارکتی از نوع تهیه و تأمین پارچه و ادواتی چون انار حضور دارند. جوانان و مردان چالاک عهده‌داری دزدی از دیگری و حراست از علم خودی را دارند. عده‌ای دیگر از مردان قوی نیز عهده‌دار علم برداری هستند. چنان‌که اطلاع‌رسانان پژوهش حاضر تأکید دارند، در هیچ‌یک از این فعالیت‌ها و مراحل خواسته و ناخواسته زمینه اجتماعی و اقتصادی مشارکت‌کنندگان در نظر گرفته نمی‌شود. مگر در مواقع بازپس‌گیری علم ربوده شده که معمولاً فرد مسنی را که مقبولیت

اجتماعی بیشتری دارد، به‌عنوان نماینده خود برای انجام مذاکرات انتخاب می‌کنند. در آراستن علم از چارقد‌های متعدد با رنگ‌ها متنوع استفاده می‌شود. این تنوع در رنگ در کنار تنوع در نوع چارقد‌ها و پارچه (طیفی از پارچه گران‌بها مانند پارچه‌های کیجی<sup>۱</sup> تا پارچه‌های معمولی‌تر و حتی کرباس<sup>۲</sup>) می‌توان معنی حضور طبقات و تنوعات و تعارضات گوناگون اجتماعی، اقتصادی جامعه را حمل کند. تنوعات و تناقضاتی که در این علم گردهم جمع آمده‌اند. نحوه اتصال این پارچه‌ها نیز نمادین به نظر می‌رسد، این پارچه‌ها چنان با یکدیگر پیوند خورده‌اند که نقطه و رابط اتصال آنان مشخص نیست. با توجه به آنچه گذشت می‌توان اظهار کرد، اجرا آیین علم در مراحل متعدد آن به‌طور خاص به میدان تعاملی تبدیل می‌گردد که در آن احساسات مثبت افراد نسبت به یکدیگر برانگیخته و شکل می‌گیرد. این مشارکت از آراسته شدن آغاز و با اهدای پارچه و تبرک و تلمس ادامه یافته، در مرحله حراست و حفاظت به نقطه اوج کارکردی خود می‌رسد. این مسئله باعث می‌شود، یک جامعه متضاد و متشکل از من‌های فردی به سمت یک من جمعی و به تعبیر دورکیمی به سمت ما نسبت به دیگران بیرونی از این جامعه، حرکت کند. با نگاه و تعبیر دورکیمی این فضا و میدان تعاملی، عاطفه جمعی را به وجود می‌آورد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیق عمدتاً طی مناسک جمعی مانند اعیاد و مراسمات ملی و مذهبی و غیره شکل یافته، موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۳-۲۲). اساس و پایه ادوات مادی آیین علم را چوبی شکل می‌دهد، که شبیه میله بوده و داری سطحی صاف و یکدست است تمام تزیینات و آراستن‌ها روی همین میله انجام می‌شود. این میله چوبی که حدود شش متر درازا و حدود ۱۵ سانتی‌متر پهنا دارد، در طول سال در مدرسه علمیه که در مجاورت مسجد اصلی ششتمد (مسجد امام حسین) که امروز به علت عدم وجود مدرس و مدرس بخشی از آن تبدیل به دفتر کانون فرهنگی مساجد ششتمد و قسمتی از آن نیز محل نگهداری از وسایل هیئت عزاداری و تعزیه‌خوانی ششتمد شده است، نگهداری می‌شود. از این رو چون علم نمایانگر ما جمعی جامعه است باید به بهترین نحوه تزیین و آراسته و تزیین شود.

۱. آذری، محمد (۱۳۸۸) محرم در روستای پیشبر قاینات خراسان جنوبی، نجوای فرهنگ، شماره ۱۳، ۹۱-۹۴.
۲. آئی‌زاده، علی (۱۳۸۹) جلوه‌های نمادین عزاداری ماه محرم در مناطق مختلف ایران، فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۲ و ۱۶۵-۲۳، ۱۸۸.
۳. ایروانی، شکرالله (۱۳۸۸) آیین‌های عزاداری محرم در محمداًباد جرقویه اصفهان، نجوای فرهنگ، شماره ۱۳، ۸۳۹۰-۱۳۸.
۴. بلوکباشی، علی (۱۳۸۳) نخل گردانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۵. رحمانی، جبار (۱۳۹۱) آیین‌ها و مناسک عزاداری در هند، تهران: خیمه.
۶. رهبر گنجه، تورج (۱۳۸۸) علم چینی و علم واچینی در روستای شاه شهیدان (عمارلو)، نجوای فرهنگ، شماره ۱۳،
۷. حجازی، حیدر (۱۳۸۸) آیین‌های محرم در گوگان آذرشهر آذربایجان شرقی، نجوای فرهنگ، شماره ۱۳، ۷۷-۸۲
۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۲) وفاق اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۵-۲۸
۹. سعیدی، محمدحسن (۱۳۸۶) مردم‌شناسی مراسم آیینی، پژوهشی در مراسم نخل گردانی. آشتیان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. محتشم، حسن (۱۳۷۳)، فرهنگ‌نامه بومی سبزوار، سبزوار: دانشگاه آزاد سبزوار

<sup>۱</sup> kiji: پارچه از جنس ابریشم ناخالص (محتشم، ۱۳۷۵: ۴۳۸)

<sup>۲</sup> kerbas: نوعی پارچه دست‌بافت که ارزش چتلی ندارد

۱۱. معتمدی کاشانی، سید حسین (۱۳۷۸) عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان، قم: عصر ظهور.